



دانشگاه شهید باهنر کرمان

نشریه ادب و زبان

(علمی - پژوهشی)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان

شماره استاندارد بین المللی: ISSN 1777-2106

بازنگری در عرفان قاجار / دکتر محمد ابراهیم ایرج پور

بررسی انگیزه‌های معنایی در زبان فارسی نوشتاری دو مقطع زمانی با فاصله دو بیست سال (دو بیست سال پیش و مقطع کنونی) / دکتر شهلا شریفی، لیلا عرفانین

بررسی ترتیب فراگیری «جفت های مشابه» در زبان انگلیسی توسط دانشجویان فارسی زبان / مهناز نوربخش
بررسی ساخت کلان (چارچوب فکری) حکایات بوستان سعدی بر اساس رویکرد زبان شناختی صورتگر / دکتر ناصر رشیدی، ایوب انصاری

بررسی ساختاری قهرمانان و شاهان فردوسی نامه / دکتر تیمور مال میر، هادی دهفانی بزدانی
بررسی فن تشبیه در معلقه امرؤالقیس / دکتر احد پیشگر

جلوة قیامت در دیوان صائب تبریزی / دکتر عنایت‌الله شریف پور، مریم جعفرزاده
ردیف و رویکرد ناصر خسرو بدان / دکتر عطا محمد رادمنش

قصر و حصر در متون نثر عرفانی (جایگاه «قصر و حصر» در تبیین و تفهیم...) / دکتر حسین آفاحسینی، دکتر فاطمه جمالی
گنجینه‌های باز یافته (معرفی نسخه‌های نفیس و فراموش شده از دیوان ازرقی هروی) / دکتر احمد رضا بلغمه‌ها
مطالعه تطبیقی زیبایی شناسی در اندیشه مولانا و بعضی نظریه پردازان / دکتر بهجت السادات حجازی

مقایسه لیلی و مجنون نظامی یا لیلی و مجنون روح الامین شهرستانی / دکتر حیدر علی دهمرده، فرهاد خوش جهان
نامگونه‌های عوام در شعر فارسی (گرانان، گران باران، گران جانان) / دکتر داریوش کاظمی

نقد و تحلیل اشعار عربی در منشآت قائم مقام / دکتر محمدرضا نجاریان
نگاهی تحلیلی به کارکرد رنگ در شعر «م. سرشک» / دکتر مسعود روحانی، محمد عنایتی قادیکلایی

دوره جدید، شماره ۲۹ (پیاپی ۲۶) بهار ۹۰

نشریه ادب و زبان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۲۹ (پیاپی ۲۶) بهار ۹۰

بررسی انگیزتگی معنایی در زبان فارسی نوشتاری دو مقطع زمانی با فاصله دو‌یست سال (دو‌یست سال پیش و مقطع کنونی)^۱ (علمی - پژوهشی)

دکتر شهلا شریفی

استادیار زبانشناسی همگانی دانشگاه فردوسی مشهد

لیلا عرفانیان قونسولی

دانشجوی دکتری زبانشناسی همگانی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

انگیزتگی به معنی وجود سرنخی در صورت برای رسیدن به معناست؛ چیزی که ما را مستقیماً از صورت به معنا رهنمون می‌شود و این بدان معناست که رابطه صورت و معنا، همواره یا تنها قراردادی نیست یا این که رابطه قراردادی در پاره ای مواقع به رابطه تصویرگونه مبدل می‌شود. یکی از انواع انگیزتگی، انگیزتگی معنایی است. واژه‌هایی انگیزتگی معنایی دارند که رابطه معنایی بین اجزای تشکیل دهنده واژه و کل واژه وجود داشته باشد. در زمینه انگیزتگی، عده ای بر این باورند که واژگان ابتدایی بشر انگیزتگی بوده اند و با گذشت زمان و به دلیل تغییرات آوایی و... درجه انگیزتگی واژگان کاهش یافته است. در این پژوهش، نگاه عمیق‌تر و دقیق‌تری به این پدیده داشته ایم و برای بررسی این فرضیه، با انتخاب چهار متن سفرنامه از زمان حال و استخراج ۲۸۰۰ واژه محتوایی به بررسی انگیزتگی معنایی در این متون پرداخته ایم و سپس آنها را با ۲۸۰۰ واژه استخراج شده از چهار متن در دو‌یست سال پیش مقایسه نمودیم تا با بررسی‌ها و مقایسه‌های آماری دریابیم که از دو‌یست سال پیش تاکنون،

^۱ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۹/۴/۱

^۲ تاریخ ارسال مقاله: ۸۸/۱۰/۱۲

آدرس ایمیل نویسنده: shahlasharifi@hotmail.com

leilaerfanivan@yahoo.com

انگیختگی معنایی در بین واژگان زبان فارسی افزون گشته یا کاهش یافته است. مقایسه نتایج حاصل از بررسی این دو دوره نشان می دهد که افزایش معناداری در شمار واژگان دارای انگیختگی معنایی در زمان حال، نسبت به ۲۰۰ سال پیش به چشم می خورد؛ بنابراین، شاید بتوان ادعا کرد از ۲۰۰ سال گذشته تا کنون، انگیختگی معنایی در واژگان زبان فارسی افزایش یافته است و از این نقطه نظر، زبان فارسی به سمت شفافیت پیش رفته است و نه تیرگی.

کلید واژه ها: انگیختگی (motivation)، صورت (form)، معنا (meaning)

مقدمه

کلمات شفاف یا انگیخته، آن دسته از کلمات هستند که از روی صدا، ساخت، رابطه و... به معنی آنها پی برد یا معنی آنها را حدس زد. کلمات تیره به آن دسته از کلمات گفته می شود که تلفظ یا ساخت آنها، ردپایی برای شناخت معنی آنها به دست ندهد. (باطنی، ۱۳۵۶: ۱۱۷)

با نگاه اجمالی به پیشینه تاریخی درمی یابیم که برخی از افرادی که رابطه طبیعی بین صورت و معنا را پذیرفته اند، بر این اعتقادند که احتمالاً در ابتدا تمام کلمات زبان رابطه طبیعی با معنا داشته و نام آوا بوده اند اما بر اثر مرور زمان و تغییرات آوایی و ساخت واژی، این طور به نظر می رسد که رابطه ای بین صورت و معنای آنها وجود ندارد. عده ای نیز بر این باورند که واژگان به دلیل ذات طبیعت گرای انسان به سمت شفافیت و برقراری رابطه طبیعی بین صورت و معنا پیش می روند.

در این پژوهش در پی آنیم که با بررسی متونی با موضوع سفرنامه از دویست سال پیش و متونی مربوط به زمان حال و بررسی انگیختگی در واژه های مرکب و اشتقاقی آنها و سپس با مقایسه آماری مجموع نتایج و داده های حاصل از بررسی واژگان متون دو دوره، به روند حرکت واژگان زبان فارسی به سمت انگیختگی معنایی یا ناانگیخته شدن آگاهی یابیم. از این روی، در بخش دوم، پیشینه نظری کارهای انجام شده در زمینه انگیختگی بیان می شود. در بخش سوم، انگیختگی و انگیختگی معنایی معرفی خواهد شد. در بخش چهارم، روشی که برای تحقیق در نظر گرفته ایم، بیان می شود و در ادامه، به شیوه گردآوری مطالب و تحلیل داده ها اشاره ای خواهد شد. در بخش پنجم، ابتدا به ارائه

داده های جمع آوری شده می پردازیم و سپس بررسی های انجام گرفته بر روی آنها را عنوان می کنیم.

در بخش ششم، به جمع بندی نتایج به دست آمده از بررسی های بخش پنجم می پردازیم و در ادامه، نتایج دو دوره را به تفکیک با یکدیگر مقایسه می کنیم و سپس با انجام آزمونی آماری، معنادار بودن این نتایج را می سنجیم و در انتها، به نتیجه گیری از نتایج به دست آمده خواهیم پرداخت.

۲- پیشینه نظری

انسان کنجکاو از دیر باز در پی یافتن علت هر پدیده ای بوده و از این طریق به پیشرفت های زیادی در علوم مختلف دست یافته است. با بررسی تاریخ زبان شناسی و فلسفه نیز در می یابیم که انسان، از زمانی که مدارک مربوط به آن در دسترس است، در پی یافتن رابطه بین صورت و معنای کلمات بوده و گاه طبیعی بودن رابطه بین صورت و معنا و گاه رابطه قراردادی بین آنها را پذیرفته است. شاهد این امر، نظریات مختلفی است که در مورد منشاء زبان وجود دارد؛ از جمله این نظریات، نظریه منشاء الهی است که در این راستا در فصل دوم سفر پیدایش (نخستین کتاب تورات) گفته شده است که در بهشت همه چیز به نام اصلی خود نامیده می شود و انسان اولین بار اشیاء را نام گذاری کرده است (هریس، ۱۳۸۱: ۲۲-۲۱). نظریه دیگر، نظریه منشاء صداهای طبیعی است. بر اساس این نظریه واژه های نخستین، تقلیدی از صداهای طبیعی بوده اند که آن را تئوری bow-wow گویند. (بول، ۱۹۸۵: ۳-۲) از تمام این نظریه پردازی ها می توان نتیجه گرفت که انسان از همان ابتدا به دنبال یافتن منشاء زبان و رابطه بین صورت و معنا بوده است.

فلاسفه یونان باستان نیز به این بحث پرداختند و از همان ابتدا، گروهی طرفدار طبیعت مداری و گروهی طرفدار قراردادی بودن زبان بودند. افرادی مثل افلاطون معتقد بودند بین صورت و معنا رابطه طبیعی وجود دارد. (هریس، ۱۳۸۱: ۲۳) آنها به ریشه شناسی بعضی واژه های یونانی می پرداختند و اکثراً آنها را به طور غیر منطقی به منشاء طبیعی متصل می کردند چون معتقد بودند که عامل زمان در صورت های آغازین واژه ها خواه ناخواه تغییرات فراوان پدید آورده است. ارسطو که از شاگردان افلاطون بود، بر عکس او، صورت را غیرمرتبط با معنا در نظر گرفته و اعتقاد به وجود رابطه قرار دادی بین این دو

داشته است. (رایتز، ۱۳۷۰: ۴۸-۴۵) در این مباحثات، گرچه افرادی نیز موضع بینابینی اختیار کردند ولی بحث و جدل بر سر این موضوع، بی نتیجه ادامه یافت.

مسئله وجود یا عدم وجود رابطه بین صورت و معنای واژگان از زمان باستان راه خود را در فلسفه ادامه داده و به عنوان سؤالی در روند جدید زبان شناسی و ریشه شناسی قرن بیستم در آمده است. به نظر می رسد که فردینان دوسوسور اولین کسی است که در قرن حاضر این مسئله را مطرح کرده است و این فرضیه را بیان کرد که نشانه های زبانی اختیاری هستند. (هریس، ۱۳۸۱: ۸۸) اولمان نیز بر پایه دیدگاه کهن طبیعت گرایان و قراردادیون به واژه های تیره و شفاف پرداخته است و از کسانی است که بحث در مورد انگیزندگی را جدی تر از دیگران دنبال کرده و اکثر کارهایی که بعد از او انجام شده است، به نوعی قالبی از کار او را در خود دارند. فریشبرگ نیز با انجام تحقیقی^۹ (۱۹۷۵) بیان نموده است که میزان تصویرگونگی در ASL در طی ۲۰۰ سال گذشته کاهش یافته است؛ مثلاً نشانه مورد استفاده برای مفهوم «خانه»، در ابتدا ترکیبی از دو نشانه بوده است: یکی برای «خوردن» و دیگری برای «خوابیدن». نشانه خوردن شامل گرفتن فنجان در نزدیکی دهان است و نشانه خواب، شامل گرفتن دست خود به صورت افقی در زیر گونه و خم کردن گردن بر روی آن. هر کدام از این نشانه ها تصویر گونه هستند؛ بنابراین، نشانه اولیه برای خانه هم تصویر گونه بوده است؛ یعنی خوردن و خوابیدن. با گذشت زمان این نشانه، کوتاه شده و قرار دادی تر شده است به طوری که شکل کنونی آن شامل لمس دو قسمت مختلف چانه و سپس گرفتن فنجان است که شفافیت نشانه اولیه را ندارد (کارول، ۱۹۹۹: ۲۹-۳۰).

برخی از دانشمندان ایرانی و اسلامی نیز اعتقاد داشتند که رابطه بین صورت و معنا طبیعی است؛ از جمله خلیل ابن احمد فراهیدی و سیبویه. ابوعلی فارسی و شاگردش ابن جنی و سیوطی و میرداماد نیز رابطه لفظ و معنا را طبیعی می دانستند. (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵: ۱۰) اگرچه انگیزندگی و بررسی آن در قدیم بیشتر دنبال شده است اما به نظر می رسد که تاکنون در زبان فارسی، کاری جدی در زمینه انگیزندگی به انجام نرسیده است و محدود

^۹Frishberg

کارهایی نیز که انجام گشته است یا قالب بندی کارهای دیگران مانند اولمن را دارد یا اینکه فقط به برخی جنبه های انگبختگی مثل نام آواها و نماد پردازی آوایی پرداخته است.

اولمن انگبختگی را به سه دسته آوایی، ساخت واژی و معنایی دسته بندی کرده است. منصور اختیار و محمد رضا باطنی نیز بر اساس همین طبقه بندی، کاری فراگیرتر و با ارزش تر از دیگر آثار فارسی در این زمینه انجام داده اند.

آزینا افراشی نیز با بهره گیری از کار باطنی در مقاله ای با نام «نگاهی به شفافیت و تیرگی معنایی در سطح واژه های مرکب» به بررسی تیرگی و شفافیت واژه های مرکب، با استفاده از ابزار معنی ارجاعی پرداخته است. تقی وحیدیان کامیار نیز اولین کسی است که فرهنگ نام آواهای زبان فارسی را به رشته تحریر در آورده است.

۳- انگبختگی

قبل از اینکه بحث در مورد انگبختگی را آغاز کنیم با این سؤال مواجه می شویم که انگبختگی چیست؟ بنا بر آنچه سوسور در این مورد اظهار نموده است، زبان مجموعه ای از نشانه هاست و نشانه زبانی، رابطه اختیاری بین دال و مدلول است اما بعضی نشانه ها انگبخته اند، بعضی غیر انگبخته و البته بعضی ها هم نیمه انگبخته. انگبختگی با مسئله زمان ارتباط دارد؛ به عبارت دیگر مرور زمان سبب تغییر انگبختگی صورت های زبانی می شود. به طور کلی می توان گفت نشانه ای انگبخته است که در صورت آن، سر نخ می برای رسیدن به معنای آن موجود باشد (آرونوف و فوندمن، ۲۰۰۵: ۱۰۴).

کلمات تیره کلماتی هستند که یا از ابتدا رابطه ای بین صورت و معنای آنها وجود نداشته یا به تدریج این شفافیت کدر شده است. در زبان آنچه انگبخته نبوده، می تواند انگبخته شود و آنچه انگبخته بوده، می تواند انگبختگی خود را از دست بدهد. برخی از عوامل از دست دادن انگبخته را می توان به این صورت برشمرد: ۱- عوامل آوایی ۲- فراموش شدن معنی حقیقی ۳- فاصله افتادن بین معنای حقیقی و مجازی واژه ۴- عوامل صرفی ۵- عوامل نحوی (باطنی، ۱۳۵۶: ۱۴۴). از عوامل کسب انگبخته نیز می توان به این عوامل اشاره کرد: ۱- عوامل آوایی: مثل قیاس ۲- عوامل صرفی: مثلاً به دلیل ریشه شناسی عام ۳- عوامل نحوی

به طور کلی در بیشتر کارهایی که درباره انگبختگی انجام شده، انگبختگی به سه دسته آوایی، ساخت واژی و معنایی دسته بندی شده است که در این تحقیق، به انگبختگی معنایی در واژه ها خواهیم پرداخت.

۳-۱- انگبختگی معنایی

در معنای واژگان می توان نمودهایی از انگبختگی مشاهده کرد که به نظر می رسد میزان این نوع انگبختگی از انگبختگی ساخت واژی نیز کمتر باشد؛ به این دلیل که در انگبختگی معنایی، اجزای واژه ما را به صورت غیر مستقیم و توسط رابطه معنایی ای که با مرجع دارند، به مرجع و معنای واژه رهنمون می شوند. انگبختگی معنایی می تواند از دو چیز ناشی شود: ۱- از مشابهت های واژه و ۲- از تاریخچه واژه.

۳-۱-۱- انگبختگی ناشی از مشابهت واژه

در این نوع انگبختگی، نمونه هایی مثل «دست روزگار» یا «عدسی» (رنگ) نماینده انگیزش معنایی هستند زیرا در آنها معنی اصطلاح به وسیله استعاره ای شفاف و قابل استنباط به دست آمده است که انواع کاربرد های مجازی واژه ها را می توان در این گروه جای داد. (باطنی، ۱۳۵۶: ۱۳۱) در این واژه ها، مثلاً «دست» یا «عدس» به دلیل مشابهت مصداق های جدید به مصداق های قدیم، کاربرد استعاری یافته اند؛ به عبارتی، انگیزش معنایی در آن دسته از کلمات وجود دارد که ارتباط معنایی آنها با دیگر کلمات به روشن شدن معنی آنها کمک می کند؛ یعنی از راه ارتباط معنایی با کلمات دیگر شفاف می شوند. (همان: ۱۳۱) بنابراین، شفافیت ممکن است بر اثر شباهت صوتی عامل تقلید یا شباهت صوری باشد؛ مثل «گل تاج خروس». (اختیار، ۱۳۴۸: ۷۷-۷۶)

۳-۱-۲- انگبختگی ناشی از تاریخچه واژه

از انواع دیگر انگبختگی معنایی می توان به انگبختگی ناشی از تاریخچه واژه اشاره کرد. در این نوع انگبختگی، واژه از شخصی یا حادثه ای یا... در گذشته گرفته شده است که در صورت دانستن تاریخچه آن، می توان به راحتی به معنای واژه پی برد. مثلاً واژه "Houdini" در انگلیس در زمان خاصی، واژه ای انگبخته بوده است. این واژه نام شخصی است که عضلات نیرومندی داشته و برای نشان دادن این نیرو به دیگران اجازه می داده به شکم او ضربه بزنند و در یکی از این موارد مرده است. نام این شخص تبدیل به

فعلی گشت که به معنای مردن در اثر وارد شدن ضربه به شکم است. (آرونوف و دیگران، ۲۰۰۵: ۱۳۱)

۳-۲- ملاک های انگیزتی معنایی:

واژه ای که انگیزتی معنایی دارد یا واژه ای است که انگیزتی آن ناشی از تاریخچه واژه است یا واژه ای اشتقاقی یا مرکب است که از مجموع معنای اجزایش توسط استعاره ای شفاف بتوان به معنای واژه رسید؛ یعنی رابطه معنایی بین معنای مجموع اجزاء و معنای کل واژه وجود داشته باشد؛ مثل واژه «چشمه» که نام مکانی است که شبیه چشم است.

چشمه	محل خارج شدن طبیعی آب از زمین	چشم	ه = پسوند فعال اسم ساز	نیمه انگیزته
------	-------------------------------	-----	------------------------	--------------

همچنین واژه های «سرگردانی»، «دست انداز» و ...

بنابراین، واژگان انگیزته معنایی برخی از واژگانی هستند که در حوزه واژگان مرکب یا اشتقاقی، نیمه انگیزته بوده اند.

۴- روش تحقیق

برای بررسی و مقایسه انگیزتی معنایی در بین واژگان متون دویست سال پیش و متون معاصر، سعی شد از محاسبات آماری استفاده شود به طوری که مجموع واژه های انگیزته معنایی در متون دویست سال پیش محاسبه و با دوره کنونی مقایسه شد و توسط آزمون های آماری، معناداری آن سنجیده شد.

۴-۱- شیوه گردآوری مطالب و تحلیل داده ها:

در ابتدا برای مقایسه پدیده انگیزتی در دو دوره زمانی، لازم بود تا متون مناسبی از هر دو دوره بدین صورت انتخاب شود:

۴-۱-۱- متون مورد بررسی

ابتدا متونی از هر دو دوره زمانی انتخاب شد که هم از نظر سبکی خنثی و هم در دسترس باشند. به این منظور، متونی با موضوع سفرنامه انتخاب گردید و برای مهار کردن تفاوت های سبکی در این بررسی، چهار متن از هر دوره انتخاب شد که به این شرح است:

۴-۱-۱-۱-متون مربوط به دویت سال پیش:

- متن شماره ۱: مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان، تاریخ نگارش: سال ۱۱۷۷ هجری شمسی، نویسنده: ابوطالب ابن محمد اصفهانی.
- متن شماره ۲: سفرنامه خسرو میرزا به پطرزبوغ و تاریخ زندگی عباس میرزا، نائب السلطنه، تاریخ نگارش: ۱۲۰۲ هجری شمسی، نویسنده: میرزا مسعود انصاری.
- متن شماره ۳: سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی (ایلچی) به روسیه، تاریخ نگارش: ۱۱۸۷ هجری شمسی، نویسنده: میرزا محمد هادی شیرازی (علوی).
- متن شماره ۴: سفرنامه میرزا صالح شیرازی، تاریخ نگارش: ۱۱۸۸ هجری شمسی، نویسنده: صالح شیرازی.

۴-۱-۱-۲-متون مربوط به زمان حال:

- متن شماره ۵: پرستو در قاف، تاریخ نگارش: ۱۳۷۵ هجری شمسی، نویسنده: علی رضا فزوه.
- متن شماره ۶: سفرنامه شمس آل احمد به آلمان و اسپانیا، تاریخ نگارش: ۱۳۶۹ هجری شمسی، نویسنده: شمس آل احمد.
- متن شماره ۷: سفرنامه فرنگ، تاریخ نگارش: ۱۳۶۲ هجری شمسی، نویسنده: فخرالدین حجازی.
- متن شماره ۸: اقلیم های دیگر، تاریخ نگارش: ۱۳۶۳ هجری شمسی، نویسنده: محمد جعفر یاحقی.

۴-۱-۲-انواع و تعداد واژگان مورد بررسی:

از هر کتاب، حدود پنج صفحه انتخاب شد که شامل هفتصد واژه محتوایی است و در بعضی موارد به دلیل اینکه ممکن بود واژه یا واژه هایی در صفحات متوالی تکرار شوند، سعی شد پنج صفحه به صورت متوالی انتخاب نشود. به این ترتیب، واژه های محتوایی شامل اسم، فعل، صفت و قید جدا شدند و به عنوان مواد تحقیق، مورد استفاده قرار گرفتند.

۴-۱-۳-شیوه تحلیل داده ها

بر اساس معیارهای مطرح در بالا، انگیزه‌نگاری را در هر یک از متون قدیمی و معاصر بررسی کردیم و سپس حاصل جمع هر یک از متغیرها را در چهار متن زمان

قدیم و چهار متن معاصر به دست آوردیم که نتایج حاصل از آن در بخش های بعد مطرح می شود. سپس با انجام آزمون آماری معناداری بر روی این داده ها و مقایسه نتایج دو دوره با یکدیگر، به معناداری و نتایج حاصل از این محاسبات دست یافتیم.

۵- ارائه و بررسی داده ها

همانطور که قبلاً نیز بیان گشت، چهار متن با موضوع سفرنامه مربوط به دویست سال پیش و چهار متن مربوط به زمان حال با همان موضوع انتخاب شد و در میان ۷۰۰ واژه محتوایی از هر متن، به بررسی واژه های انگیزته معنایی پرداخته شد. متون ۲۰۰ سال پیش از شماره یک تا چهار و متون زمان حال از شماره پنج تا هشت است که در زیر، متن های مورد بررسی و تحلیل های انجام شده بر روی آنها به تفکیک نمایش داده شده اند. قابل ذکر است که به ضرورت مجال از هر متن فقط تعداد چهار واژه انگیزته معنایی را به عنوان نمونه در ذیل بیان کرده ایم. از متن های شماره یک تا هشت، چند واژه به عنوان نمونه به شرح ذیل، برگزیده شده اند که در این واژه ها به دلیل اینکه بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده واژه و معنای خود واژه، رابطه ای معنایی برقرار است، این واژگان انگیزتی معنایی دارند؛ به عبارتی در این واژگان، با حاصل جمع معنای اجزای تشکیل دهنده واژه، به طور مستقیم نمی توان به معنای خود واژه رسید بلکه توسط ایجاد رابطه معنایی و استعاری می توان به معنای واژه رسید:

۵-۱- متن شماره یک

واژگان منتخب انگیزته معنایی مربوط به این متن عبارتند از:

۱- واژه «دلکش» به معنای «سیارخوشایند که اشتیاق و علاقه را جلب می کند»، از دو جزء «دل» و «کش» = ستاک حال کشیدن «تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین واژه، انگیزته معنایی است.

۲- واژه «پیرهن پیرهن» به معنای «بیشتر و بیشتر»، از دو جزء «پیرهن = لباس» و «پیرهن = لباس» تشکیل شده است که مجموع معنای این دو جزء معنای «تکرار» را به واژه می بخشد. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین واژه، انگیزته معنایی است.

۳- واژه « به قطار » به معنای « به ردیف »، از دو جزء « به » و « قطار » مانند قطار به ردیف و پشت سر هم « تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین واژه، انگیزه معنایی است.

۴- واژه « حلقه » به معنای « هر چیز مدور و دایره شکل که میانش خالی باشد »، از دو جزء « حلق » = فضای عقب دهان، گلو « و « ه » = پسوند فعال اسم ساز مشابهت و نسبت « تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین واژه، انگیزه معنایی است.

۵-۱-۱- بررسی داده های متن شماره یک

در این متن تعداد چهار واژه انگیزه معنایی یافت شد

۵-۲- متن شماره دو

واژگان منتخب انگیزه معنایی مربوط به این متن عبارتند از:

۱- واژه « دلگیری » به معنای « ناراحتی »، از دو جزء « دل » = خاطر، ضمیر، روان « و « گیر » = ستاک حال گرفتن: سد کردن، گرفتار کردن + « ی » تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگیزه معنایی است.

۲- واژه « ستاره دار » به معنای « آنچه علامتی مثل ستاره دارد »، از دو جزء « ستاره » و « دار » = ستاک حال داشتن: دارا بودن « تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگیزه معنایی است.

۳- واژه « خاطر جمعی » به معنای « اطمینان خاطر »، از دو جزء « خاطر » = اندیشه، آنچه در دل بگذرد « و « جمع » = گرد آوردن « تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگیزه معنایی است.

۴- واژه « موشک » به معنای « یکی از آلات آتش بازی و جنگ که جهنده است »، از دو جزء « موش » و « ک » = پسوند فعال بیانگر کوچکی و شباهت « تشکیل شده است. پس بین

مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگیزته معنایی است.

۵-۲-۱- بررسی داده های متن شماره دو

در این متن، تعداد شش واژه انگیزته معنایی یافت شد.

۵-۳- متن شماره سه

واژگان منتخب انگیزته معنایی مربوط به این متن عبارتند از:

۱- واژه «دلنشین» به معنای «دوست داشتنی، حسب مراد»، از دو جزء «دل = جان، روح» و «نشین = ستاک حال: جا گرفتن چیزی بر چیزی» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگیزته معنایی است.

۲- واژه «گوشه» به معنای «کنار، کناره، کنج»، از دو جزء «گوش = عضو حس شنوایی» و «ه = پسوند فعال اسم ساز مشابهت» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگیزته معنایی است.

۳- واژه «صوری» به معنای «منسوب به صورت و ظاهر، ظاهری»، از دو جزء «صور = صورت» و «ی = پسوند فعال نسبت» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگیزته معنایی است.

۴- واژه «سر چشمه» به معنای «جایی که رودی از آنجا پدید می آید و مسیر خود را آغاز می کند»، از سه جزء «سر = راس» و «چشمه = محل خارج شدن طبیعی آب از زمین: چشم» و «ه = پسوند فعال اسم ساز مشابهت» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگیزته معنایی است.

۵-۳-۱- بررسی داده های متن شماره سه

در این متن، تعداد پنج واژه انگیزته معنایی یافت شد.

مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگیزته معنایی است.

۵-۲-۱- بررسی داده های متن شماره دو

در این متن، تعداد شش واژه انگیزته معنایی یافت شد.

۵-۳- متن شماره سه

واژگان منتخب انگیزته معنایی مربوط به این متن عبارتند از:

۱- واژه «دلنشین» به معنای «دوست داشتنی، حسب مراد»، از دو جزء «دل = جان، روح» و «نشین = ستاک حال: جا گرفتن چیزی بر چیزی» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگیزته معنایی است.

۲- واژه «گوشه» به معنای «کنار، کنار، کنج»، از دو جزء «گوش = عضو حس شنوایی» و «ه = پسوند فعال اسم ساز مشابهت» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگیزته معنایی است.

۳- واژه «صوری» به معنای «منسوب به صورت و ظاهر، ظاهری»، از دو جزء «صور = صورت» و «ی = پسوند فعال نسبت» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگیزته معنایی است.

۴- واژه «سر چشمه» به معنای «جایی که رودی از آنجا پدید می آید و مسیر خود را آغاز می کند»، از سه جزء «سر = راس» و «چشمه = محل خارج شدن طبیعی آب از زمین: چشم» و «ه = پسوند فعال اسم ساز مشابهت» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگیزته معنایی است.

۵-۳-۱- بررسی داده های متن شماره سه

در این متن، تعداد پنج واژه انگیزته معنایی یافت شد.

۵-۴- متن شماره چهار

واژگان منتخب انگيخته معنایی مربوط به این متن عبارتند از:

- ۱- واژه «دامنه (کوه)» به معنای «دوره ، اطراف ، از دو جزء «دامن» و «ه» = پسوند فعال اسم ساز مشابهت تشکیل شده است . پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگيخته معنایی است.
- ۲- واژه «نمک شناسی» به معنای «حق شناس بودن ، سپاسگزار بودن ، از سه جزء «نمک» و «شناس» = ستاک حال شناختن : معرفت یافتن» و «ی» = پسوند فعال که اسم مصدر مرکب می سازد تشکیل شده است . پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگيخته معنایی است.
- ۳- واژه «کج روی» به معنای «نداشتن رفتار درست ، حرکت در مسیر غلط» ، از سه جزء «کج» و «رو» = ستاک حال رفتن» و «ی» = پسوند فعل که اسم مصدر مرکب می سازد تشکیل شده است . پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگيخته معنایی است.
- ۴- واژه «روح فزا» به معنای «روح افزا ، شادی بخش، مفرح ، چیزی که بر زندگانی بیفزاید» ، از دو جزء «روح» = دل، جان» و «فزا» = فزاینده : افزایش دهنده» تشکیل شده است . پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگيخته معنایی است.

۵-۴-۱- بررسی داده های متن شماره چهار

در این متن تعداد شش واژه انگيخته معنایی یافت شد.

۵-۵- متن شماره پنج

واژگان منتخب انگيخته معنایی مربوط به این متن عبارتند از:

- ۱- واژه «شیرزن» به معنای «شیرزن = زن شجاع و دلیر» ، از دو جزء «شیر» = سلطان جنگل ، شخص شجاع» و «زن» تشکیل شده است . پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگيخته معنایی است.
- ۲- واژه «سرنپناه» به معنای «پناهگاه» ، از دو جزء «سر» و «پناه» = پناهگاه ، نگاهبان ، حامی» تشکیل شده است . پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگيخته معنایی است.

۳- واژه «گوشه» به معنای «کنار، کنار، کنج»، از دو جزء «گوش = عضو حس شنوایی» و «ه = پسوند فعال اسم ساز مشابهت» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگبخته معنایی است.

۱- واژه «ماهواره» به معنای «قمر مصنوعی، دستگاهی که از زمین با موشک به فضا پرتاب می شود و دور زمین می چرخد»، از دو جزء «ماه» و «و = واژه = پسوند فعال شباهت و ماندگی است» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگبخته معنایی است.

۵-۱- بررسی داده های متن شماره پنج

در این متن تعداد ده واژه انگبخته معنایی یافت شد

۵-۶- متن شماره شش

واژگان منتخب انگبخته معنایی مربوط به این متن عبارتند از:

۱- واژه «نگران» به معنای «مشوش»، از دو جزء «نگر = ستاک حال نگرستن» و «ان = پسوند فعال که معنی فاعلی و حالت می دهد» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگبخته معنایی است.

۲- واژه «سر بلند» به معنای «دارای حالت یا احساس خوش به خاطر عمل یا رفتار خویش»، از دو جزء «سر = عضو بدن انسان و حیوان از گردن به بالا» و «بلند = افراشته، دراز» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگبخته معنایی است.

۳- واژه «سرزنش» به معنای «ملامت، نکوهش»، از سه جزء «سر = عضو بدن انسان و حیوان از گردن به بالا» و «زن = ستاک حال زدن» و «ش = پسوند نیمه فعال مصدری» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگبخته معنایی است.

۴- واژه «چشمه» به معنای «محل خارج شدن طبیعی آب از زمین»، از دو جزء «چشم» و «ه = پسوند فعال اسم ساز مشابهت» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل

دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگيخته معنایی است.

۵-۶-۱- بررسی داده های متن شماره شش

در این متن تعداد ۲۱ واژه انگيخته معنایی یافت شد.

۵-۷-۲- متن شماره هفت

واژگان منتخب انگيخته معنایی مربوط به این متن عبارتند از:

۱-واژه «زمینه» به معنای «سطح و روی چیزی»، از دو جزء «زمین = خاک، سطح کره زمین» و «ه = پسوند فعال اسم ساز و مشابهت و نسبت» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگيخته معنایی است.

۲-واژه «روشنفکران» به معنای «روشنفکر = دارای بینشی آگاهانه، منطقی و دور از خرافه و تعصب»، از دو جزء «روشن = نورانی» و «فکر = اندیشه» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگيخته معنایی است.

۳-واژه «گردن کلفت» به معنای «قلدر، زورگو»، از دو جزء «گردن = قسمتی از بدن بین سر و تنه» و «کلفت = ستر» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگيخته معنایی است.

۴-واژه «هم آهنگ» به معنای «تناسب اجزای چیزی با یکدیگر»، از دو جزء «هم = پیشوند فعال اشتراک» و «آهنگ = آواز، وزن آواز، لحن، اراده» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگيخته معنایی است.

۵-۷-۱- بررسی داده های متن شماره هفت

در این متن تعداد ۱۶ واژه انگيخته معنایی یافت شد.

۵-۸-۱- متن شماره هشت

واژگان منتخب انگيخته معنایی مربوط به این متن عبارتند از:

۱-واژه «کمربندی» به معنای «دارای حالتی چون کمربند»، از سه جزء «کمر» و «بند» = طناب، تسمه» و «ی» = پسوند فعال که اسم مصدر می سازد» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگبخته معنایی است.

۲-واژه «سرگردانی» به معنای «آواره بودن، متحیر بودن»، از چهار جزء «سر» = عضو بدن انسان و حیوان از گردن به بالا، و «گرد» = ستاک حال گردیدن، چرخیدن» و «ان» = پسوند فعال که معنی فاعلی و حالت می دهد» و «ی» = پسوند فعال که اسم مصدر مرکب می سازد» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگبخته معنایی است.

۳-واژه «گلوگاه» به معنای «جایی شبیه گلو»، از دو جزء «گلو» و «گاه» = پسوند فعال اسم مکان ساز» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگبخته معنایی است.

۴-واژه «سنگین» به معنای «وزین، ضد سبک»، از دو جزء «سنگ» = جسم سفت و سخت که در زمین و معدن و کوه، در انواع مختلف وجود دارد» و «ین» = پسوند فعال صفت ساز فاعلی که اینجا بر جنسیت و نسبت دلالت می کند» تشکیل شده است. پس بین مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده این واژه و معنای خود واژه، رابطه معنایی برقرار است؛ بنابراین، واژه انگبخته معنایی است.

۵-۸-۱- بررسی داده های متن شماره هشت

در این متن تعداد ۱۸ واژه انگبخته معنایی یافت شد.

۶- بحث و نتیجه گیری

۶-۱- جمع بندی نتایج

در این فصل ابتدا به جمع بندی نتایج حاصل از بررسی چهار متن دویست سال پیش و جمع بندی نتایج حاصل از بررسی چهار متن زمان حال می پردازیم. نتایجی که از مجموع ۲۸۰۰ واژه هر دوره به دست آمده، بدین شرح است:

۶-۱-۱- حاصل جمع انگبختگی در کل متون قدیمی (۱ و ۲ و ۳ و ۴):

در چهار متن مربوط به دویست سال پیش در مجموع، تعداد ۲۱ واژه انگبخته معنایی یافت شد.

۶-۱-۲- حاصل جمع انگبختگی در کل متون معاصر (۵ و ۶ و ۷ و ۸):

در چهار متن مربوط به زمان حال در مجموع، تعداد ۶۵ واژه انگبخته معنایی یافت شد.

۶-۲- مقایسه نتایج

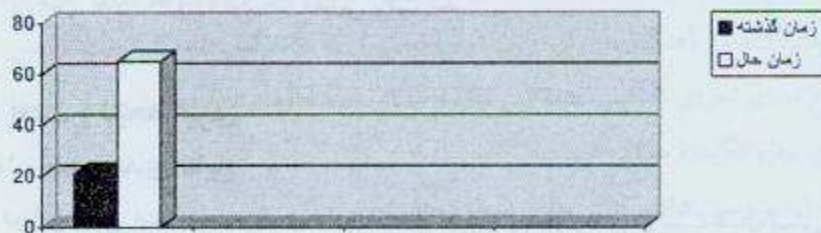
پس از جمع بندی نتایج حاصل از بررسی متون هر دوره، نتایجی حاصل گشت که بیان کردیم و با مقایسه مجموع نتایج به دست آمده در دو دوره زمانی، نتایجی به دست آمد که در ذیل به تفکیک بیان می شود. سپس برای بررسی اینکه آیا نتایج به دست آمده معنادار است یا خیر، از آزمون آماری معناداری استفاده شد که در کل، نتایجی به این شرح به دست آمد:

۶-۲-۱- مقایسه واژه های انگبخته معنایی دو دوره:

معناداری	زمان حال	۲۰۰ سال پیش	واژه های انگبخته معنایی
معنادار	۶۵	۲۱	

بر اساس مقایسات انجام شده، تعداد واژگان انگبخته معنایی در متون بررسی شده مربوط به دوره معاصر، ۶۵ و در متون دویست سال پیش، ۲۱ است.

۶-۲-۲- نمودار مقایسه واژه های انگبخته معنایی دو دوره:



نتیجه

از آنچه تاکنون بیان شد، این نتایج حاصل می شود:

- با مقایسه انگیزتگی معنایی در ۲۸۰۰ واژه محتوایی زمان حال و ۲۸۰۰ واژه محتوایی ۲۰۰ سال گذشته به این نتیجه رسیدیم که افزایش معناداری در شمار واژگان انگیزتگی معنایی در زمان حال نسبت به ۲۰۰ سال پیش به چشم می خورد.

- از آنجا که افزایش در جنبه مذکور انگیزتگی در متون زمان حال به چشم می خورد، شاید بتوان ادعا کرد که این جنبه انگیزتگی از ۲۰۰ سال پیش تا کنون رشد کرده و از این دریچه، زبان فارسی به سمت شفافیت رفته است و نه تیرگی.

- شاید دلیل این امر، کاهش ملموس واژگان قرضی عربی باشد که در متون ۲۰۰ سال پیش به وفور یافت می شوند اما بیان نتیجه قطعی در این زمینه، منوط به انجام تحقیقات بیشتر است. دلیل دیگر می تواند نو واژه هایی باشد که مردم می سازند و استفاده می کنند یا از طرف فرهنگستان ساخته می شود و اکثراً واژگان مرکب یا اشتقاقی هستند تا واژگان بسیط و تیره که همین امر، شفافیت را به زبان وارد می کند و می تواند دلیل شفافیت این وجه از زبان فارسی در زمان حال، نسبت به ۲۰۰ سال پیش باشد.

- نتیجه دیگری که از بحث هایی مطرح شده حاصل می شود این است که بر خلاف آنچه طبعیون ادعا می کردند، نام آواها تنها واژگانی نیستند که رابطه صورت و معنا در آنها طبیعی و مستقیم است بلکه نام آواها امروزه سهم اندکی در زبان دارند و واژگان مرکب و اشتقاقی، نمونه های در دسترس تر و ملموس تر رابطه صورت و معنا هستند که با بررسی آنها می توان به نتایج جالبی رسید. از طرفی، بر خلاف آنچه قراردادیون ادعا کرده اند و می کنند، رابطه صورت و معنا به آن میزان که تصور می شود، قراردادی و دلخواهی نیست بلکه هر نظمی که در زبان مشاهده می شود، انگیزتگی را به همراه دارد و قراردادی و دلخواهی بودن را محدود می کند؛ بنابراین، هر آنکه به نظم در زبان اعتقاد داشته باشد، نمی تواند انگیزتگی در زبان را انکار نماید.

فهرست منابع

- ۱- آل احمد، شمس. (۱۳۶۹). **سیر و سلوک: سفرنامه شمس آل احمد به آلمان و اسپانیا**. تهران: برگ.
- ۲- اختیار، منصور. (۱۳۴۸). **معنی شناسی**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳- اصفهانی، ابوطالب ابن محمد. (۱۳۵۲). **مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان**. به تصحیح حسین خدیو جم. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۴- انصاری، میرزا مسعود. (۱۳۴۹). **سفرنامه خسرو میرزا به پترزبورگ و تاریخ زندگی عباس میرزا، نائب السلطنه**. به تصحیح محمد گلین. تهران: اتحاد.
- ۵- انوری، حسن. (۱۳۸۲). **فرهنگ فشرده سخن سخن**. تهران: سخن.
- ۶- باطنی، محمد رضا. (۱۳۶۷). «**کلمات تیره و شفاف: بحثی در معناشناسی**».
- ۷- باطنی، محمد رضا. (۱۳۵۶). **درباره زبان (مجموعه مقالات)**. تهران: فاروس ایران.
- ۸- حجازی، فخرالدین. (۱۳۶۲). **سفرنامه فرنگ**. تهران: بعثت.
- ۹- رایبترز، آر. اچ. (۱۳۷۰). **تاریخ مختصر زبانشناسی**. ترجمه محمد علی حق شناس. تهران: نشر مرکز.
- ۱۰- شیرازی، صالح. (۱۳۴۷). **سفرنامه میرزا صالح شیرازی**. به تصحیح اسماعیل رائین. تهران: داورپناه.
- ۱۱- شیرازی (علوی)، میرزا محمد هادی. (۱۳۵۷). **سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی (ایلچی) به روسیه**. به تصحیح محمد گلین. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- ۱۲- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۶). **فرهنگ پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی همراه گفتارهایی درباره دستور زبان فارسی**. تهران: زوار.
- ۱۳- قزوه، علیرضا. (۱۳۷۵). **پرستو در قاف**. تهران: سوره.
- ۱۴- معین، محمد. (۱۳۴۰). **فرهنگ فارسی**. تهران: زرین.
- ۱۵- نفیسی (ناظم الاطباء)، علی اکبر. (۱۳۵۵). **فرهنگ نفیسی**. تهران: مروی.
- ۱۶- هریس، روی. (۱۳۸۱). **زبان، سوسورو وینکنشتاین**. مترجم: اسماعیل فقیه. تهران: نشر مرکز.

۱۷- یا حقی، محمد جعفر. (۱۳۶۳). **اقلیم های دیگر**. مشهد: دانشگاه مشهد.

- Aronoff, M. - K. Fundeman, (2005), **What Is Morphology?**, Blackwell : oxford .
- Carroll, David W. ,(1999), **Psychology of Language** , Brooks/Cole Publishing Company : Pacific Grove .
- Yule , George ,(1985), **The Study of Language** , Cambridge university press : Great Britain .